

ساماندهی فضای مرزی ایران در خلیج فارس از لحاظ قاچاق کالا و گردشگری

عباس نجفی

دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران

حیدر لطفی^۱

دانشیار جغرافیای سیاسی و گردشگری، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران

پیروز مجتهد زاده

دانشیار جغرافیای سیاسی، واحد علوم و تحقیقات تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۱۱/۰۷ تاریخ صدور پذیرش: ۱۳۹۸/۰۲/۳۰

چکیده

مرزهای ایران در خلیج فارس نیازمند طرح‌ریزی مدلی است که چند متغیر اساسی یعنی مرزها، قاچاق و گردشگری را در کنار هم ساماندهی کند. هدف اصلی این مقاله عبارت است از ساماندهی فضای مرزی ایران در خلیج فارس از لحاظ قاچاق کالا و گردشگری در راستای ارائه مدلی برای پیشرفت درون‌زای اقتصاد جنوب کشور است. سؤال اصلی مقاله این است که ساماندهی فضای مرزی ایران در خلیج فارس با تأکید بر مبارزه با قاچاق کالا و مدیریت گردشگری چه نقشی در پیشرفت درون‌زای اقتصاد جنوب کشور ایفا خواهد کرد؟ فرضیه‌ای را که برای پاسخ‌گویی به این سؤال اصلی در صدد آزمون آن هستیم این است که قاچاق با مرز عجین است و این اصل در مرزهای ایران در خلیج فارس نیز وجود دارد و ساماندهی این مسئله نیازمند درآمدزایی پایدار در مرزهاست که یکی از راه‌های آن توجه به مدیریت گردشگری است. روش این مقاله توصیفی تحلیلی است که در آن تلاش می‌شود با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و مقالات علمی و پژوهشی و آمار و اطلاعات موجود در زمینه قاچاق کالا و گردشگری به توصیف، تحلیل و در نهایت تبیین موضوع مورد مطالعه پرداخته شود. نتایج مقاله نشان می‌دهد که قاچاق گسترده و با حجم بالا در کنار توسعه اندک و ضعیف گردشگری در منطقه مورد مطالعه به چرخه‌ای اقتصادی و عاداتی فرهنگی-اجتماعی تبدیل شده که نسبت اندکی با پتانسیل‌های اقتصادی منطقه دارد.

واژگان کلیدی: فضا، مرز، قاچاق، گردشگری، خلیج فارس.

مقدمه

مجموع طول پیرامون و کرانه‌های ایران ۸۷۳۱ کیلومتر است که شامل مرزها و کرانه‌های آبی، رودخانه‌ای و خشکی است (افشار سیستانی، ۱۳۸۶). از این مقدار ۲۷۰۰ کیلومتر (حدود ۳۱ درصد) مربوط به کرانه‌های دریایی در خلیج فارس، دریای عمان و دریای مازندران است. مرزهای رودخانه‌ای ایران با همسایگان برابر ۱۸۳۰ کیلومتر (۲۰/۹ درصد)، مرزهای خشکی با همسایگان برابر ۴۱۱۳ کیلومتر (۴۷/۱ درصد) و مرزهای دریاچه‌ای و باتلاقی در حدود ۸۸ کیلومتر (۱ درصد) است. خط مبدأ دریای سرزمینی در خلیج فارس و دریای عمان در ۲۵ نقطه مشخص و بر روی نقشه پیاده شده است. به موجب ماده یک قانون مناطق دریایی، حاکمیت ایران خارج از قلمرو خشکی و آب‌های داخلی و جزایر خود در خلیج فارس و تنگه هرمز و دریای عمان، بر منطقه‌ای از آب‌های متصل به خط مبدأ که دریای سرزمینی نامیده می‌شود، گسترش می‌یابد (حافظ نیا، ۱۳۷۱).

دوری از مرکز، انزوای جغرافیایی، ناپایداری سکونت، توسعه نیافتگی و حاشیه‌ای بودن، تفاوت‌های چشمگیر فرهنگی و تهدیدات خارجی از خصوصیات عمده مرزهای ایران است. در سه ماهه اول سال ۱۳۸۹، تعداد کل پرونده‌های مظنون به قاچاق ۸۳۸۱ پرونده، با بهای قیمت اموال ۱۵۵۹۵۱۸۵۶ میلیون ریال بوده که در مقایسه با مدت مشابه سال قبل از نظر تعداد، حدود ۰/۹۵ درصد و از نظریه‌ای مال، حدود ۱۶۶/۹۵ درصد افزایش داشته است. در بین استان‌های کشور، بیشترین تعداد پرونده‌های متشکله قاچاق، مربوط به استان سیستان و بلوچستان با ۱۵۱۹ پرونده و سهمی معادل ۱۸/۱۲ درصد بوده است. استان‌های خراسان رضوی با ۱۱/۱۹ درصد و کردستان با ۸/۲۰ درصد رتبه‌های دوم و سوم را به خود اختصاص داده‌اند. در این مدت روزانه تقریباً ۹۰ پرونده قاچاق در گمرکات کشور ثبت شده است. استان هرمزگان ۶/۶۱ استان خوزستان ۳٪ و استان بوشهر ۱/۷۹ از کل پرونده‌های تشکیل شده برای قاچاق کالا را به خود اختصاص داده‌اند (گمرک جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۹). شاید از این آمار این گونه نتیجه‌گیری شود که قاچاق کالا در مرزهای دریایی جنوبی کشور کمتر از دیگر نقاط مرزی باشد. با این حال عدم کشف قاچاق می‌تواند نشانگر این مطلب نیز باشد که میزان موفقیت دستگاه‌های مبارزه با قاچاق کالا و ارز در مرزهای دریایی به دلایل مختلف کمتر بوده است؛ که خود حاکی از ریسک پایین قاچاق در مرزهای دریایی است (صباغ کرمانی و امیریان، ۱۳۷۹). در بخش جنوبی کشور، هم‌جواری با خلیج فارس و دریای عمان ظرفیتی کم‌نظیر و بسیار مناسب برای توسعه همه‌جانبه محسوب می‌شود، پتانسیلی که از چابهار و سیستان و بلوچستان گرفته تا بوشهر، هرمزگان و خوزستان می‌تواند بستر ساز شکوفایی اقتصادی باشد. گردشگری دریایی یکی از مهم‌ترین انواع گردشگری در کشور است و ۷ استان دارای مزیت قرارگیری کنار دریا هستند که تعدادی از این استان‌ها در نیمه جنوبی کشور قرار دارند. به عنوان مثال استان بوشهر با داشتن بیش از ۹۰۰ کیلومتر ساحل زیبا و بکر یکی از مهم‌ترین نقاط برای گردشگری دریایی محسوب می‌شود و هم‌اکنون نیز با وجود این که زیرساخت‌های مناسب برای گردشگران فراهم نشده است ولی هر ساله شاهد حضور گسترده مردم در سواحل استان هستیم (ویلسن، ۱۳۶۶). ایجاد اقامتگاه یکی از مهم‌ترین پیش نیازهای توسعه گردشگری است که استان بوشهر با کمبودهایی در این زمینه روبرو است و هتل مناسبی برای گردشگران وجود ندارد. زیرساخت‌های گردشگری دریایی از جمله هتل‌های دریایی، اسکله‌های تفریحی، شناورهای گردشگری مناسب، رستوران‌های دریایی، تورهای دریایی و ... در این استان

ایجاد و راهاندازی نشده است. بسیاری از برنامه‌های گردشگری دریایی به صورت فصلی و اغلب منحصر به فصل بهار است و در دیگر ایام سال خبر چندانی از فعالیت برنامه‌های گردشگری دریایی نیست. هرچند که استان بوشهر در چهار ماه از سال آب و هوایی بسیار گرم دارد ولی در هشت ماه باقی‌مانده سال آب‌وهوای این استان برای حضور گردشگران مناسب است. یکی از مشکلاتی که در این بین وجود دارد، هم زمانی تعطیلات تابستانی با فصل بسیار گرم استان بوشهر است که باعث شده مانعی بزرگ برای انجام سفرهای تابستانی به بوشهر باشد. البته باید توجه داشت که ایجاد زیرساخت‌های مناسب در کنار سواحل استان بوشهر و ایجاد بازی‌های دریایی و ورزش‌های آبی رزمینه جذب گردشگران در گرم‌ترین روزهای سال را نیز فراهم خواهد کرد. هدف اصلی این مقاله عبارت است از ساماندهی فضای مرزی ایران در خلیج فارس از لحاظ قاچاق کالا و گردشگری در راستای ارائه مدلی برای پیشرفت درونزای اقتصاد جنوب کشور است. سؤال اصلی مقاله این است که ساماندهی فضای مرزی ایران در خلیج فارس با تأکید بر مبارزه با قاچاق کالا و مدیریت گردشگری چه نقشی در پیشرفت درونزای اقتصاد جنوب کشور ایفا خواهد کرد؟ روش این مقاله توصیفی تحلیلی است که در آن تلاش می‌شود با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و مقالات علمی و پژوهشی و آمار و اطلاعات موجود در زمینه قاچاق کالا و گردشگری به توصیف، تحلیل و در نهایت تبیین موضوع مورد مطالعه پرداخته شود.

رویکرد نظری

جغرافیای سیاسی شاخه‌ای از علم جغرافیا است که تأثیرپذیری و تأثیرگذاری سیاست و قدرت در محیط جغرافیایی و به بیان دیگر، تأثیر تصمیمات سیاسی بر محیط جغرافیایی را مورد کاوش و بررسی قرار می‌دهد. نقش ویژه جغرافیای سیاسی، سازمان‌دهی سیاسی فضا (هماهنگی قسمت‌های مختلف) در سطح محلی، ملی و منطقه‌ای است؛ و امروزه در ایران این رشته به نام مطالعات منطقه‌ای شناخته می‌شود. ژئوپلیتیک که به طور سنتی بر اساس اطلاعات، دیدگاه‌ها و تکنیک‌های جغرافیایی به مسائل سیاست خارجی کشورها می‌پردازد، یک نوع جغرافیای سیاسی کاربردی قلمداد می‌شود. جغرافیای سیاسی پدیده‌های سیاسی را در فضای درونی یک کشور مورد بحث قرار می‌دهد که به طور سنتی شامل مفاهیمی مانند مرز، ملت، حکومت و سرزمین است (مجتهد زاده، ۱۳۵۴).

نظر به این که یک کشور در بطن مطالعات جغرافیای سیاسی جای دارد از پیوند سه عامل ملت، حکومت و سرزمین، کشور تشکیل می‌شود؛ بنابراین همه موضوعات مرتبط با این مفاهیم، مانند ریشه‌یابی مسائل قومی، جریانات مهاجرت، تحلیل قدرت سیاسی نواحی شهری، تحلیل فضایی قدرت سیاسی در سطح کشور، تقسیمات کشوری و رقابت‌های مکانی، دولت محلی، تمرکز و عدم تمرکز قدرت سیاسی جغرافیای انتخابات، از جمله مسائل مرتبط با کشور هستند که امروزه در جغرافیای سیاسی مورد توجه و بررسی قرار می‌گیرند. از طرف دیگر، در حوزه مسائل جهانی نیز که قلمرو مطالعات ژئوپلیتیک است، به طور سنتی درباره مناسبات قدرت در سطح جهان و راه‌های دستیابی به قدرت جهانی و افزایش آن بحث و بررسی می‌شود. در حال حاضر تحولاتی که در سیاست جهان روی داده است تنوع بیشتری به مباحث ژئوپلیتیک بخشیده و این شاخه از جغرافیای سیاسی مفاهیم تازه و متنوعی را مورد بحث قرار می‌دهد (سریع القلم، ۱۳۷۴).

فضا واژه‌ای است که در زمینه‌های متعدد و رشته‌های گوناگون از قبیل فلسفه، جامعه‌شناسی، معماری و شهرسازی بطور وسیع استفاده می‌شود. لیکن تکثر کاربرد واژه فضا به معنی برداشت یکسان از این مفهوم در تمام زمینه‌های فوق نیست، بلکه تعریف فضا از دیدگاه‌های مختلف قابل بررسی است. مطالعات نشان می‌دهد با وجود درک مشترکی که به نظر می‌رسد از این واژه وجود دارد، تقریباً توافق مطلق در مورد تعریف فضا در مباحث علمی به چشم نمی‌خورد و این واژه از تعدد معنایی نسبتاً بالایی برخوردار است و تعریف مشخص و جامعی وجود ندارد که دربرگیرنده تمامی جنبه‌های این مفهوم باشد (مجتهدزاده، ۱۳۷۹). فضا یک مقوله بسیار عام است. فضا تمام جهان هستی را پر می‌کند و ما را در تمام طول زندگی احاطه کرده است و ... فضا ماهیتی جیوه مانند دارد که چون نهی سیال، تسخیر و تعریف آن را مشکل می‌نماید. اگر قفس آن به اندازه کافی محکم نباشد، به راحتی به بیرون رسوخ می‌کند و ناپدید می‌شود. فضا می‌تواند چنان نازک و وسیع به نظر آید که احساس وجود بعد از بین برود (برای مثال در دشت‌های وسیع، فضا کاملاً بدون بعد به نظر می‌رسد) و یا چنان مملو از وجود سه بعدی باشد که به هر چیزی در حیطه خود مفهومی خاص بخشد. با اینکه تعریف دقیق و مشخص فضا دشوار و حتی ناممکن است، ولی فضا قابل اندازه‌گیری است. مثلاً می‌گوییم هنوز فضای کافی موجود است یا این فضا پر است. نزدیک‌ترین تعریف این است که فضا را خلأی در نظر بگیریم که می‌تواند شیء را در خود جای دهد و یا از چیزی آکنده شود. نکته دیگری که در مورد تعریف فضا باید خاطر نشان کرد، این است که همواره بر اساس یک نسبت که چیزی از پیش تعیین شده و ثابت نیست، ارتباطی میان ناظر و فضا وجود دارد. به طوری که موقعیت مکانی شخص، فضا را تعریف می‌کند و فضا بنا به نقطه دید وی به صورت‌های مختلف قابل ادراک است (حافظ نیا، ۱۳۸۵).

منطقه در برگیرنده تعدادی از کشورها است که به لحاظ جغرافیایی به هم نزدیک و در سیاست خارجی نیز از روابط متقابل برخوردار باشد. جان کالین می‌گوید منطقه از یک عرصه جغرافیایی تشکیل می‌شود که به لحاظ فرهنگی یا فیزیکی تجانس داشته باشند. دیوید ای. لیک منطقه را مجموعه‌ای از کشورها می‌داند که از نظم جغرافیایی و ویژگی‌های مشترک مانند سطح توسعه، فرهنگ یا نهادهای سیاسی باهم در پیوند باشند (ولدانی، ۱۳۸۸: ۲۴). نظریه رشد درون‌زا بر آن است که رشد اقتصادی به علت نیروهای درونی اقتصاد و نه عوامل بیرونی رخ می‌دهد. بر اساس این نظریه سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی، نوآوری دانش اثر قابل توجهی در رشد اقتصادی دارد. این نظریه با تمرکز بر اثرات جانبی مثبت و اثرات سرریز حاصل از یک اقتصاد دانش بنیان به دنبال توسعه اقتصادی است. نظریه رشد درون‌زا در درجه اول ادعا می‌کند که در دراز مدت نرخ رشد اقتصاد بستگی به سیاست‌های تشویق تولید علم دارد. برای مثال یارانه برای تحقیق و توسعه یا آموزش و پرورش موجب افزایش نرخ رشد در برخی از مدل‌های رشد درون‌زا می‌شود چرا که انگیزه‌ای برای نوآوری ایجاد می‌کند. در اقتصاد درون‌زا، مقابله با قاچاق کالا، به عنوان امری خطیر در دستور کار قرار می‌گیرد و با عنایت به آسیب‌های این پدیده، مقابله جدی با آن در صدر اولویت مردم و دستگاه‌های ذی ربط قرار می‌گیرد، در چنین اقتصادی، واردات بی‌رویه حتی به صورت مجاز نیز به مثابه آفتی جدی برای کشور تلقی می‌شود و عموم مردم با اجتناب از خرید آن، معادلات نظام عرضه و تقاضا را آن‌چنان بر هم می‌زنند که برای واردکنندگان خرید محصولات خارجی با خسارات جدی همراه خواهد شد و به تبع چنین رویکردی (وارد کردن محصولات خارجی) جز در موارد خاص محلی از اعراب نخواهد داشت (عزتی، ۱۳۹۵).

خط مرزی، خطی اعتباری و قراردادی است که به منظور تحدید حدود یک کشور روی زمین و اسناد مرزی مشخص می‌شود. خطوط مرزی میان کشورها گاهی به وسیله عوارض طبیعی مانند ژرف گاه‌ها و میان آب‌ها و گاهی با استفاده از خطوط فرضی و قراردادی (مانند بخش عمده‌ای از مرز میان کانادا و آمریکا که برابر با مدار ۴۹ درجه است) تعیین و توافق شده است. امنیت مرزی به معنای جلوگیری از هرگونه اعمال منافی قانون در طول مرزهای یک کشور و قانونی کردن تردد اشخاص و حمل و نقل کالا و حیوانات اهلی با رعایت ضوابط قانونی از طریق دروازه‌های مجاز مرزی است. بدیهی است امنیت مرزها پشتوانه‌ای محکم برای امنیت انسانی با ابعاد متنوعش در داخل کشور است و هرگونه ناامنی در مرز می‌تواند در سیستم‌های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و نظامی داخل کشور اختلال ایجاد کند. در مقابل امنیت مطلوب می‌تواند در حد خود در امنیت مرزی و داخلی کشور سهم بسیار برجسته‌ای را به خود اختصاص دهد. بدیهی است امنیت مرزها و نواحی مرزی پشتوانه‌ای محکم برای امنیت انسانی با ابعاد متنوعش در داخل کشور است و هرگونه ناامنی در مرز می‌تواند در سیستم‌های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و نظامی داخل کشور اختلال ایجاد کند. در مقابل، امنیت مطلوب می‌تواند در حد خود در امنیت مرزی و داخلی کشور سهم بسیار برجسته‌ای را به خود اختصاص دهد (عزتی، ۱۳۸۴).

نواحی مرزی محدوده‌هایی هستند که در آخرین حد قلمرو حاکمیت یک کشور قرار دارند و نواحی داخلی یک کشور را از نواحی کشورهای آن سوی مرز متمایز می‌سازند. این نواحی به خاطر برخورداری از موقعیت جغرافیایی خاص و داشتن بازارچه‌های مرزی و مناطق آزاد تجاری و صنعتی و قرارگیری در معرض تهدیدات از اهمیت خاصی برخوردارند. در واژه‌نامه‌ها آمایش به معنی آراستگی، آمادگی، آماده کردن و بررسی و تحلیل آورده شده که در تمامی رویکردها و برداشتها از آمایش می‌تواند مصداق داشته باشد؛ اما معنی لغوی آن در زبان فرانسه *Amonegement* معادل *Management* مدیریت سرزمین است. آمایش در واقع یک نوع برنامه‌ریزی برای توسعه است. اگرچه صرف نظر از توسعه و ارائه هر نوع تعریف و برداشتی از آن، نمی‌توان از آمایش صحبت به میان آورد؛ اما تاکنون، به دلیل کارهای متفاوت و جدا از هم که در جهان در رابطه با موضوعات مرتبط با این رشته از دانش صورت گرفته است، همان طوری که در نمودار شماره یک مشاهده می‌شود برداشتهای متفاوتی از آمایش شده است (عزتی، ۱۳۸۴). مهم‌ترین و مرتبط‌ترین این برداشتها (مطابق نمودار ۱) است.

از دیدگاه محیط زیستی آمایش عبارت است از: تنظیم روابط بین انسان، سرزمین و فعالیت‌های انسان و به منظور بهره‌برداری درخور و پایدار از جمیع امکانات انسانی و فضایی سرزمین در جهت بهبود وضعیت مادی و معنوی اجتماعی در طول زمان (مخدوم، ۱۳۷۴). در دوران معاصر با توجه به تحولات اساسی که در مورد مفهوم فضا صورت گرفته است، مفاهیم مربوط به آمایش سرزمین دگرگون شده است. بسط مفهوم فضا که عمدتاً در یک دهه اخیر و از جمله در تداوم کارهای مانوئل کاستلز و دیوید هاروی، صورت گرفته است، باعث شده، مفهوم ایستایی خود را که حفاظت محیط‌زیست برای بیش از یک دهه به آن داده بود، از دست داده و امروز مفهوم پویایی بیابد که به این صورت فضا را می‌توان تولید و مبادله کرد و از تولید و مبادله آن، ارزش افزوده به دست آورد (هاروی، ۱۳۸۷: ۴۳). منطقه به انحاء گوناگونی تعریف شده است؛ این گوناگونی تعاریف، علل زیادی از جمله جغرافیایی، اقتصادی و اجتماعی دارد. نظام برنامه‌ریزی در جهان و از جمله در ایران به دنبال تعریف مشخص و جامع و مانعی

از منطقه بوده است تا بتواند فرایند برنامه‌ریزی منطقه‌ای را به صورت مشخص و روشنی تدوین کند (دفتر برنامه‌ریزی منطقه‌ای، ۱۳۷۶ - ب)؛ اما رویکردهای متفاوت در مطالعات منطقه‌ای که به طرق مختلف از یکدیگر تأثیر پذیرفته است، کاملاً از یکدیگر مجزا نیست. این معنی حتی به لحاظ زمان شناختی نیز صدق می‌نماید، علاوه بر اینکه در بسط و تحول نیز از انسجام درونی برخوردار نیست (هافتون و کانسل، ۱۳۷۷: ۲۵).



نمودار ۱: منبع: (یافته‌های پژوهش)

واژه منطقه که در زبان فارسی آن را معادل واژه ریجن^۱ در زبان انگلیسی به کار گرفته‌اند، به چند مفهوم متفاوت به کار گرفته می‌شود. گاهی مراد از آن، چند کشور مجاور همدیگر (بالتر از سطح ملی) مانند منطقه خاورمیانه و گاهی جزئی از یک کشور است. در رابطه با مورد اخیر، تقسیمات کشوری در غالب کشورهای جهان در سه سطح است: ملی، منطقه‌ای (شامل یک یا چند استان) و محلی. گاهی نیز منطقه جزئی از یک شهر است که بدان منطقه شهری می‌گویند و گاهی چند شهر واقع در کنار هم واحدی شکل می‌دهند که بدان منطقه شهری گفته می‌شود (مطوف، ۱۳۷۶: ۲۸ هافتون و کانسل، ۱۳۸۸: ۲۶). انواع مختلفی از منطقه در علم و عمل وجود دارد که شامل: جغرافیایی، سیاسی، فرهنگی، اداری، اقتصادی یا زیستی است؛ اما تقسیمات منطقه‌ای که مبتنی بر تقسیمات زیستی است، یکی از جدیدترین و علمی‌ترین تقسیم‌بندی‌ها و مفیدترین آن‌ها برای مطالعات و بررسی‌های علمی و کاربردی در مقوله برنامه‌ریزی است. منطقه بندی بر اساس ویژگی‌های زیستی را بیو ریجنالیسم^۲ می‌نامند که این تقسیم‌بندی، پایه‌های نظری معتبرتری دارد (مطوف، ۱۳۷۶: ۲۶ و صرافی، ۱۳۷۷).

بر اساس این تقسیم‌بندی، ویژگی‌های یک منطقه عبارت است از:

۱. مشمولیت بخشی از فضای یک سرزمین
۲. وجوه اشتراک بین اجزای برخی ویژگی‌ها
۳. دارا بودن روابط عملکردی شاخص‌ها؛

^۱. Region

^۲. Bio-Regionalism

مفهوم مرز از جمله مفاهیمی است که در عرصه‌های گوناگون سیاسی، اقتصادی، تجاری، فرهنگی و جغرافیایی کاربردهای متفاوتی پیدا می‌کند. مرز به دو مفهوم عینی مانند مرزهای رسمی کشورها و یا ذهنی به کار می‌رود؛ مانند مرزهای عقیدتی. همچنین می‌تواند باز، بسته یا ضعیف و یا قوی باشد (عزتی، ۱۳۶۸؛ Jones and Wild, 1994; Hansen, 1978). واژه مرز با واژه‌ها و مفاهیم زیادی شناخته شده است. مفهوم اصلی مرز در مقابل Border به معنی مرز سیاسی و رسمی است. واژه Boundary معنی حدود و محدوده را می‌رساند. واژه Frontier به معنای جبهه و مرز مقابله و مواجهه نشانگر شرایط ستیز و جنگ در مرزهای کشورها است. بنابراین، در گذشته و تا چند دهه پیش و حدوداً تا پایان دوران جنگ سرد، مرز؛ نشانگر اقتدار ملی، محدوده اعمال حاکمیت و حفظ امنیت ملی از تجاوزات خارجی بود. افزون بر این، چون مرز به عنوان خطی است که سرزمین کشور را محدود می‌کند و آن را از خارج جدا می‌سازد؛ مناطق داخلی، مرکزی می‌شود و مناطق خارجی پیرامونی به حساب می‌آید. در فرایند انزوا و به حاشیه کشیده شدن مناطق پیرامونی، مناطق مرزی خصوصیات مناطق پیرامونی را پیدا می‌کند. بنابراین، در شرایطی که مناطق مرزی دور از مرکز یک کشور باشد، مناطق پیرامونی به حساب می‌آید. بنابراین، مناطق مرزی محل تلاقی دو پدیده ناامنی و توسعه نیافتگی در مناطق پیرامونی است. بر اساس آنچه در بالا گفته شد، آمایش مناطق مرزی نوعی برنامه‌ریزی است که توسعه را با امنیت و دفاع، از نیازهای مناطق مرزی، در چارچوب شرایطی که مناطق مرزی دارند، به یکدیگر پیوند می‌دهد و راهکاری برای توسعه مناطق مرزی معرفی می‌کند که در آن امنیت و توسعه لازم و ملزوم یکدیگر می‌شود (عندلیب، ۱۳۷۹: ۲۹ و ۱۳۸۰: ۱۴).

یکی از عرصه‌های نوین در مطالعات حوزه برنامه‌ریزی طرح‌های آمایش سرزمینی کشور، مناطق مرزی است. هرچند از گذشته تاکنون ابعاد گوناگون مسائل و مشکلات مربوط به این مناطق به طور پراکنده مورد مطالعه قرار گرفته است، اما آمایش مناطق مرزی با این عنوان، تاکنون تبیین نشده است، بلکه ابعاد و ویژگی‌های آن نیز کمتر مورد توجه قرار گرفته است. از این روی، در حال حاضر، ضرورت انجام مطالعات علمی در این رابطه، بیش از پیش احساس می‌شود. فقدان یک چارچوب نظری برای انجام مطالعات علمی در رابطه با آمایش مناطق مرزی، در حالی که نیاز به اقدامات سریع سیاسی، نظامی و توسعه‌ای در این مناطق رو به فزونی نهاده است، یکی از مشکلاتی است که متصدیان توسعه و امنیت در این مناطق با آن مواجه‌اند. بر این اساس، حرکت به سوی تدوین این چارچوب به منظور بهبود کمی و کیفی روند سیاست‌گذاری‌ها، نظم دادن به تصمیم‌گیری‌ها و تدوین برنامه‌های توسعه این مناطق در چارچوبی علمی و کارآمد، نیازمند توجه و تدبیر است. بنابراین، گرچه آمایش مناطق مرزی یک نوع فن برنامه‌ریزی است، اما خود بر پایه‌های نظری و متدولوژی علمی خاصی متکی است که ضمن تحلیل و تفسیر شرایط و ویژگی‌های مناطق مرزی، موانع توسعه و یا امنیت را توأمان در نظر گرفته و برای آن‌ها راه‌حل‌های یکپارچه‌ای ارائه می‌دهد تا اهداف توسعه و امنیت در مناطق مرزی را بر یکدیگر منطبق سازد. بر اساس این توضیحات که برای آمایش مناطق مرزی داده شد، می‌توان آمایش را نوعی برنامه‌ریزی راهبردی - فضایی و آمایش مناطق مرزی را نوعی برنامه‌ریزی راهبردی در فضاها، مرزهای کشورها، دانست.

منطقه خلیج فارس

خلیج فارس از جمله مناطق آبی جهان است که امروزه به یکی از کانون‌های اصلی بحران و اختلاف بین‌المللی تبدیل شده است. این منطقه از جنبه‌های گوناگون دارای ویژگی‌های متمایزی در مقایسه با سایر مناطق آبی و خشکی‌های جهان است که به آن اهمیت و برجستگی‌های فوق‌العاده‌ای بخشیده است. اهمیت فزاینده آن نیز باعث بروز برخی اختلافات و منازعات اقتصادی و به خصوص سیاسی شده است. منطقه‌ای نفت‌خیز که از مهم‌ترین مناطق تأمین نفت جهان محسوب می‌شود (زین العابدین و همکاران، ۱۳۹۱). وسعت آن بین ۲۲۰ تا ۲۴۰ هزار کیلومتر مربع است یعنی تقریباً مساحتی نصف مساحت دریای خزر. طول سواحل خلیج فارس ۳۰۰۰ کیلومتر است که بیشترین خط ساحلی را ایران دارا است یعنی از دهانه فاو گرفته تا تنگه هرمز جزو مناطق ساحلی ایران محسوب شده و بقیه خطوط ساحلی کشورهای عربی حوزه خلیج فارس را شامل می‌شود. بنابراین از ۳۰۰۰ کیلومتر خط ساحلی ۱۷۲۲ کیلومتر آن از آن ایران است. طول خلیج فارس از عراق تا تنگه هرمز ۱۰۰۰ کیلومتر و عرض آن در بعضی جاها بین ۱۰۰ تا ۳۰۰ کیلومتر است. عمق خلیج فارس در نقاط گوناگون مختلف است. در تنگه هرمز متوسط عمق آب ۱۰۰ متر، در اطراف جزیره هرمز ۸۰ متر، در کل سواحل ایران ۷۰ متر و در سواحل جنوبی آن متوسط عمق آب به ۱۵ متر نمی‌رسد ولی به صورت کلی عمق متوسط آب در خلیج فارس ۳۵ متر است؛ اما وسعت خلیج فارس در گذشته بیشتر و تقریباً دو برابر وسعت امروزی‌اش بود که به مرور زمان از وسعت آن کاسته شده است. همچنان که مورخان در کتاب‌های تاریخی نوشته‌اند وسعت خلیج فارس به موصل و کرکوک می‌رسیده یعنی در آن زمان هنوز عراق شکل نگرفته و اصلاً سرزمین خشکی به نام عراق وجود نداشت به گونه‌ای که در کتب تاریخی آمده است تا قبل از حمله اسکندر به ایران کشتی‌های تجاری و... در شوش لنگر می‌انداختند یعنی شوش به دریا متصل بوده است درحالی‌که امروز دریا پس رفته و از شوش فاصله گرفته است (کمپ و هارکاو، ۱۳۸۳).

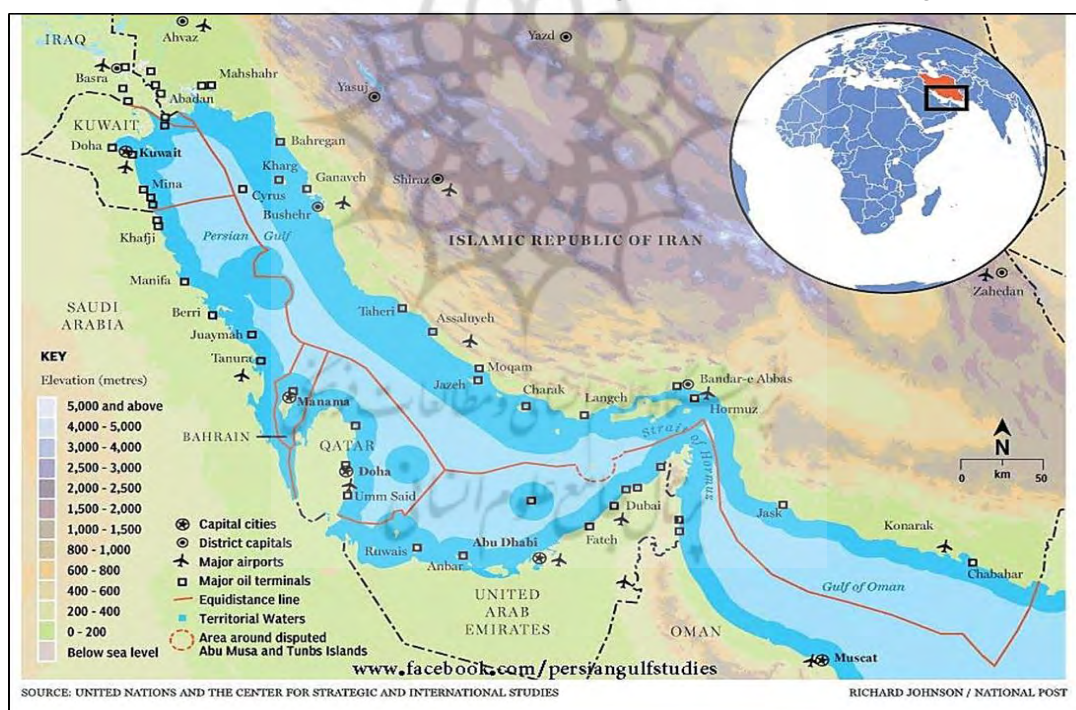


نقشه ۱- مرزهای دریایی ایران در منطقه خلیج فارس و دریای عمان

منبع: (theiranproject.com)

مجموع نوار مرزی جمهوری اسلامی ایران، بالغ بر ۸۷۳۱ کیلومتر می باشد که ۴۱۱۳ کیلومتر مرز خشکی و ۱۹۱۸ کیلومتر مرز آن را مرز رودخانه ای، دریاچه و باتلاق تشکیل می دهد و ۲۷۰۰ کیلومتر طول کرانه های ایران در شمال (دریای خزر) و جنوب (خلیج فارس و دریای عمان) می باشد. در بعضی از نقاط، مرز طبیعی این کشور با مرز سیاسی آن منطبق است. در بسیاری از خطوط مهم مرزی، بین مرز طبیعی و سیاسی انطباق وجود ندارد. به طور کلی مرز طبیعی ایران شامل همه فلات ایران است. مرزهای ایران در دریای آزاد جنوب کشور و در خلیج فارس واقع است و از دهانه فاو تا بندرعباس ۱۲۵۹ کیلومتر (خط مستقیم) امتداد دارد. مرز سیاسی در این حوزه از ساحل، ۱۲ مایل دریایی است. جزایر نیز هریک حدود شش مایل مرز دریایی دارند. به جز جزیره فارسی که مرز آن روی خط منصف بین ایران و عربستان قرار دارد و در کنار آن جزیره عربی مربوط به عربستان واقع شده است که اگر شش مایل مرز دریایی برای این دو جزیره در نظر گرفته شود، خط مرزی روی این جزیره قرار می گیرد. بر اساس توافق بین ایران و عربستان، مرز مشترک، حدفاصل بین این دو جزیره است (حافظ نیا، ۱۳۷۱).

بزرگ ترین جزیره خلیج فارس «قشم» است که ۱۱۵ کیلومتر طول و بین ۳۵-۱۰ کیلومتر عرض دارد. پس از قشم به ترتیب جزایر بویان (کویت) و بحرین بزرگ ترین جزایر منطقه هستند. جزایر مانند هرمز، قشم، خارک، کیش، بحرین و فیلیکه (کویت) دارای سوابق دیرینه تاریخی و یا تجاری هستند. مهمترین جزایر ایران عبارتند از:



نقشه ۲- مرز های ابی ایران در جنوب و کشورهای هم مرز

منبع: (theiranproject.com)

هرمز- لارک- قشم- هنگام- تنب بزرگ- تنب کوچک- ابوموسی- فرور بزرگ- فرور کوچک- سیری- کیش- هندورابی- لاوان- ام الکریم- نخیلو- خارک- خارگو- ام مسیله- دویه- حاج صلیوخ- دارا- مینو و جزیره فارسی و ... بیشتر دیدنی های کیش شگفتی های است که طبیعت در طی سالهای متمادی بوجود آورده وبا دست بشر تغییراتی در آنها ایجاد کرده است. یکی از شگفتی های کیش، سواحل آن است که واقعا زیبا است و کمتر نقاطی در دنیا

می‌توان یافت که از لحاظ طبیعی این قدر دیدنی باشد، عمق کم آب، به دلیل شفافیت و زلالی آب کف دریا تا عمق چند متری قابل مشاهده است و به صورت آکواریوم طبیعی است. جزایر دوبه، دارا و قبر ناخدا متعلق به این استان بوده و فاقد آب شیرین و خالی از سکنه می‌باشند. جزیره مینو با مساحت ۱۷/۸ کیلومترمربع بین آبادان و خرمشهر واقع شده و دو شاخه اروندرود آن را فرا می‌گیرد. دارای جمعیتی حدود ۱۲ هزار نفر بوده و از آنجا که از زیبایی طبیعی ویژه‌ای برخوردار است و نیز به فرودگاه بین‌المللی آبادان نزدیک است می‌توان آن را به جزیره‌ای توریستی تبدیل کرد. است (مجتهد زاده، ۱۳۵۴).

ساماندهی اقتصاد نواحی مرزی، جاذبه‌هایی برای انواع گردشگری در منطقه

در قرن بیست و یکم به جای سرمایه‌گذاری در جهت پیشبرد ابزارآلات نظامی و توان‌های رزمی، در جهت گسترش تفکر ژئواکونومی گام برخواهند داشت و با بهره‌گیری از تفکرات و مفاهیم ژئواکونومی به بازارها نفوذ و در جلب سرمایه‌گذاریها اقدام خواهند کرد. لذا، اهداف نظامی که در گذشته مورد توجه قدرتهای برتر جهان بود در قرن بیست و یکم مورد عنایت نبوده و این قدرتها به اهدافی نامرئی توجه خواهند کرد که نبض اقتصاد محلی و منطقه‌ای و در نهایت جهانی را تنظیم می‌کنند. این جهش و دگرگونی در تغییر اهداف بسیار حائز اهمیت است. عبارتی فعالیت‌های متعدد سرمایه‌گذاری، درآمد و تولید، بازگشایی بازارها و همچنین عدم توجه زیاد به شرکت‌های خصوصی با انگیزه صرفاً کسب سود است که سرلوحه اهداف استراتژیک قدرتها را در آینده تشکیل می‌دهد. اگر دولتی گرفتار مشکلات گوناگون اعم از سیاسی، اقتصادی، نظامی، امنیتی و یا فرهنگی - اجتماعی شد نباید فقط برای حل مشکلات خود صرفاً متوجه فعالیت‌های اقتصادی شود بلکه باید متوجه مفهوم و عملکرد ژئواکونومی گردد، زیرا درک قلمروهای جغرافیایی ژئواکونومیک است که می‌تواند در انتخاب متحدین استراتژیک بمنظور گسترش روابط آینده و یا پیش‌بینی حوادث پیش روی کمک شایانی به حکومت‌ها بنماید (لوتواک ادوارد، بی تا: ۵۸).

به نظر می‌رسد که ژئواکونومی مفهومی است که ورود موضوع اقتصاد را به صحنه جهانی بویژه به لحاظ انگیزه سودگرایی تأکید می‌کند، از طرف دیگر این موضوع نیز دور از نقد و انتقاد نمی‌باشد زیرا اندازه‌گیری ابعاد نتایج استراتژی ژئواکونومی کار ساده‌ای نیست و از پیچیدگی خاصی برخوردار است. برای درک این مفهوم باید فضای جغرافیایی را مورد بررسی قرار دهیم، البته فضای جغرافیایی در موقعیت‌های متفاوت مختلف است، برای مثال کشورهایی که بازارهایشان در رقابت با هم هستند مانند آمریکای شمالی، اروپای غربی و ژاپن در مواقعی که به مشکلات برمی‌خورند سعی می‌کنند که در دیگر کشورها به بروز اختلافات و تنش‌های کمک کنند. آن کشورها تلاش دارند در صور مختلف و به منظور دستیابی به صحنه‌های اقتصادی رقبایشان را قانع کنند و در نتیجه آنها را تحت سلطه درآورند. علاوه بر چند کشور آسیایی، چند کشور در آمریکای لاتین نیز اصرار دارند که در مجامع بین‌المللی حضور پیدا کنند. ولی بحث اینجاست که چرا استراتژی این کشورها ماهیتاً ژئواکونومی لحاظ نمی‌شود و حتی برخی از این کشورها همانند چین با وجود آنکه موفق به تغییراتی در صحنه ژئوپلیتیک خود شده‌اند (Brzeinski and etal. 1909).

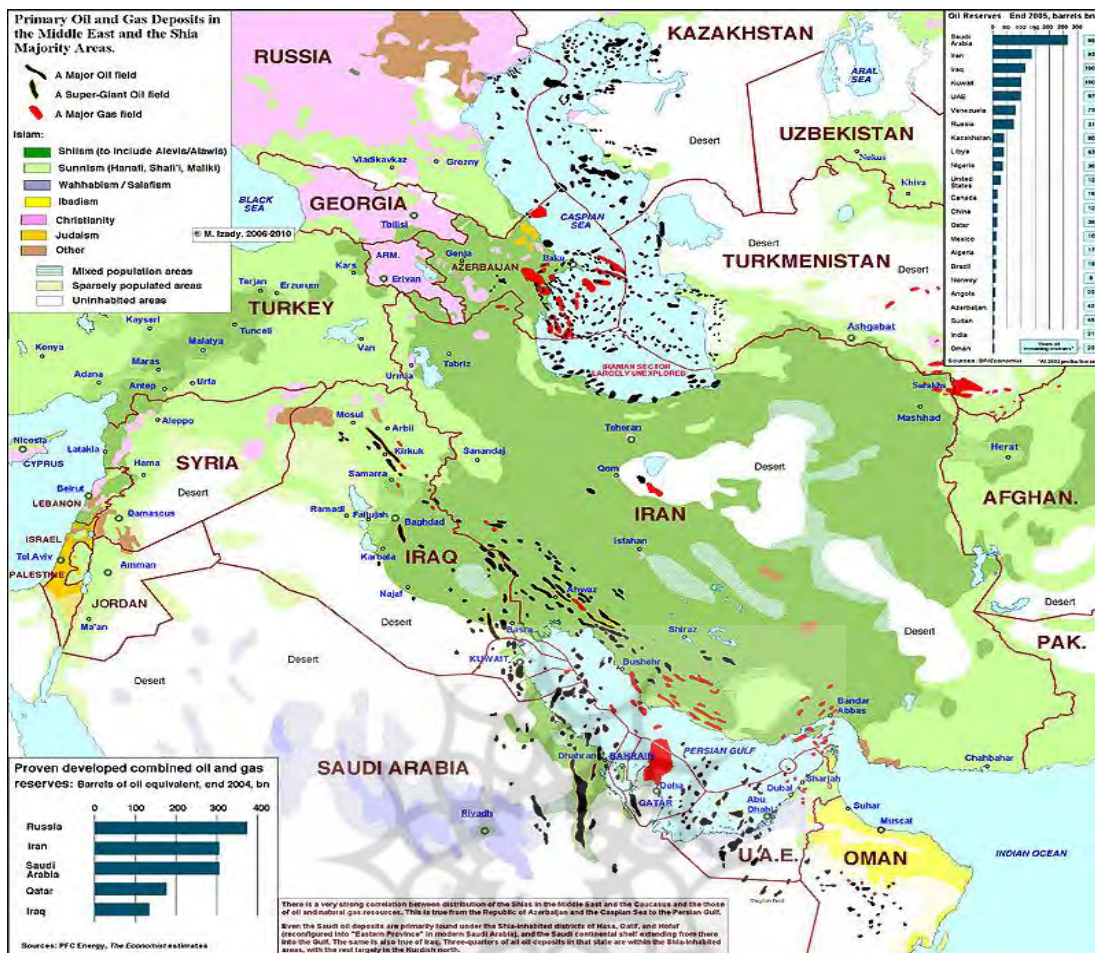


نقشه ۳- جغرافیای طبیعی منطقه خلیج فارس منبع: (http://likeat.me)

در دیگر زمینه‌ها نیز شاهد این دگرگونی ژئوپلیتیک بودیم که جالب‌ترین آن عکس‌العمل رهبران این کشور در قبال حمله آمریکا به عراق بود که واکنشی بسیار احتیاط‌آمیز و آینده‌نگر را از خود نشان دادند، چین می‌داند که نیاز اقتصاد این کشور به انرژی و امکان آزادی عمل سرمایه‌گذاری آن در بخش آسیا پاسفیک تا مقیاس زیادی به ایالات متحده آمریکا بستگی دارد. لذا، برخلاف فرانسه انفعالی عمل نکرد که بعدها ناچار شود تنبیه گردد و با وجود آنکه این کشور تشکیلات بسیار پر قدرتی را هم به وجود آورده ولی تاکنون نتوانسته به عنوان یک بازیگر عمده ژئواکونومی ظاهر شود. چنانچه بخواهد نقشی داشته باشد شاید به کمک روسیه آنهم به علت پیوندهای جغرافیایی نقشی را بازی نماید. این در حالی است که برخی از کشورهای کوچک آسیایی موفق شده‌اند به موفقیت‌های بسیار شگرفی در امر اقتصادی دست یابند آنهم در سطح بین‌المللی که اگر بخواهیم آنها را با دیگر کشورهای همسایه خود مقایسه کنیم به هیچ‌وجه قابل مقایسه نخواهند بود، همانند سنگاپور و کره جنوبی؛ اگر ما بخواهیم علل اساسی موفقیت‌ها را در این کشورها بررسی کنیم نباید به تحلیل ژئوپلیتیک داخلی آنها بپردازیم و این موفقیت تا کمی به ساختار درونی و امکانات اقتصادی آنها بستگی دارد بلکه عامل اساسی و تعیین‌کننده ناشی از عملکرد قدرتهای سیاسی است که پشت صحنه هدایت عملیات را به عهده دارند (Appa, 1999).

بنابراین باید به نقش و موضع دولت در ساختار ژئواکونومی سیاسی، توجه کرد، از آنجا که در تفکر ژئواکونومیک چه در بُعد مفاهیم و چه از جهت تعیین تهدیدها، استراتژی آفندی و پدافندی و منابع و حفاظت از آنها از سوی دولت تعیین می‌شود آیا مفهوم این مسئله اینستکه این وضعیت حالت انحصاری پیدا خواهد کرد؟ البته به نظر نمی‌رسد که چنین باشد به دلیل اینکه شرکت‌های بزرگ بازرگانی به ایجاد بخش‌های تازه و لازم می‌پردازند یا اینکه چنین استراتژی‌هایی را به طور مستقیم در خود تعریف و تعیین می‌کنند. در چنین حالتی دولتی می‌تواند به طور آگاهانه وارد عمل شود یا اینکه در حالت‌هایی با به دست گرفتن شرکتی به اجرای یک مبارزه معقول ژئواکونومیک بپردازد که در نهایت سود آن به شرکت مربوطه برمی‌گردد. این مفهوم از زمانی که برای اولین بار مطرح شد جنبه جهانی پیدا کرده و همچنین نمی‌توان آنها را تنها به کشورهای غربی اختصاص داد. در واقع ژئواکونومی رابطه بین قدرت و فضا را بررسی می‌کند، فضای بالقوه و در حال سیلان همواره حدود و مرزهایش در حال تغییر و تحول است. از این رو به لحاظ مرزهای سرزمینی و ویژگیهای فیزیکی ژئوپلیتیک آزاد است. در نتیجه، تفکر ژئواکونومی شامل ابزارآلات ضروری است که دولت می‌تواند از طریق آنها به کلیه اهدافش دست یابد. همه استراتژیهای ژئواکونومی شامل بیشترین حوزه قلمرو و توسعه کشورها است و ممکن است اهداف استراتژیها به وسیله کشورهای صنعتی خارج از سبک سنتی تعیین و پیگیری شود، نکته مهم و قابل ذکر اینستکه نباید این واژه با واژه اقتصاد جنگی اشتباه شود (Bridge And Wood, 2005).

به هر حال در مجموع ژئواکونومی برای تقویت سلاحهای آفندی دولت مانند متوسل شدن به تحریم اقتصادی به صورت یکطرفه یا تحریم و بایکوت سازمانی به کار گرفته نمی‌شود. در نهایت، بیشترین فشار استراتژیهای ژئواکونومی توأم با ساختار دولت در اینستکه اینها تصویر جدیدی از نمایندگان و خدمات شهری را ریزنی کرده که در ارتباط با نبود استقلال نسبی ملی است که نتیجه امر جهانی شدن است. از زمانی که پیشوند ژئو به واژه اضافی گردیده آن هم با دیدی کاربردی (همانند ژئواستراتژی، ژئوپلیتیک و یا ژئوکالچر) همیشه یک اختلاف نظر و مجردنگری به این مفاهیم وجود داشته و متأسفانه در مراکز علمی و تحقیقاتی، چنین برداشتی صورت می‌گیرد و تصور می‌شود این بدلیل عدم توجه به پیوستگی این واژه‌ها و ساختار سلسله مراتبی آنها باشد که امید است با این بحث اجمالی این قضیه تا حدی روشن شود. اساساً مفهوم ژئوپلیتیک به معنای علم تولید قدرت است حال بسته به اینکه از این قدرت در جهت چه اهدافی استفاده نمائیم موضوعات زیادی را دربرمی‌گیرد. مفهوم ژئوپلیتیک بدون آنکه به فرادست آن توجه شود غیر قابل توجیه است و ما هر نوع برداشتی را از آن داشته باشیم مسلماً بهره‌مندی برای ما نخواهد داشت. فرادست این واژه و از ژئواستراتژی است کمااینکه هر تحولی که در تفکرات ژئواستراتژی بوجود آید مسلماً تحولات عظیم ژئوپلیتیکی را دربرخواهد داشت. حال وقتی ما در کاربرد قدرت تجدیدنظر نمائیم لازم‌اش تغییر در مفهوم واژه‌ها از جمله ژئواستراتژی و ژئوپلیتیک نیست. به همین علت به محض آغاز تحولات اخیر ابتدا تغییر و جابجایی در قلمروهای ژئواستراتژیک بوقوع پیوست (Cohen, 2009).



نقشه ۴- منابع انرژی خلیج فارس منبع: (BP Statistical Review of World Energy (June 2013)

با نگرش به اینکه در دوران جنگ سرد، قدرت در جهت استراتژیهای نظامی به کار گرفته می شد بدلایلی می بایستی مورد تجدید نظر قرار گیرد. هدف این تجدیدنظر باید توجه به مفاهیم دیگری باشد که قادر گردد در استراتژیهای اقتصادی بطور اخص و دیگر استراتژیها بطور اعم دخل و تصرف نماید. لذا، واژه ژئواستراتژی اقتصادی جای خود را به سرعت به واژه ژئواکونومی داد و بر این اساس قلمروهای ژئواکونومیک جدیدی با منظور نمودن مناطق جدیدی از فضاهای جغرافیایی شکل گرفت در مفهوم جدید، ژئوپلیتیک مطالعه رابطه بین انسان به عنوان عامل و بازیگر سرنوشت از یکطرف و فضا و عوامل محیطی آن بعنوان پدیدههایی جهت جامه عمل پوشاندن به اهداف استراتژی ژئوپلیتیک کشور از طرف دیگر است. عبارت دیگر ژئوپلیتیک روشی است که پدیدههای متعارض و استراتژیهای آفندی و پدافندی را با در نظر گرفتن موقعیت سرزمین از جنبه های تأثیر عوامل جغرافیایی در پیوستگی تاریخی تحلیل می کند. ژئواکونومی همانند ژئوپلیتیک، تفسیری برای رابطه بین انسان و عوامل محیط طبیعی در مقیاس جهانی است (Harvey, 2003). لذا، ملاحظه می شود که بین این دو واژه تفاوت های اساسی وجود دارد، اول اینکه ژئواکونومی محصول دولتها و شرکتهای بزرگ تجاری با استراتژیهای جهانی است، در حالی که این خصیصه در ژئوپلیتیک نیست، نه دولت و نه شرکتهای تجاری هیچ نقشی در ژئوپلیتیک ندارند، بلکه یکپارچگی اتحادیهها، منافع گروهی و غیره بر پایه نمونه های تاریخی با عملکردهای نامرئی در استراتژیهای ژئوپلیتیک پایه همه

صحنه‌های ژئوپلیتیکی می‌باشند. دیگر اینکه، هدف اصلی ژئواکونومی کنترل سرزمین و دستیابی به قدرت فیزیکی نیست بلکه دست یافتن به استیلای تکنولوژیک و بازرگانی است، از لحاظ کاربردی باید گفت که مفهوم و علم ژئوپلیتیک می‌تواند در نشان دادن روشهایی برای پایان دادن به نزاعها و اختلافات نقش اساسی داشته باشد در حالیکه ژئواکونومی از چنین ویژگی برخوردار نیست. رویدادهای اخیر که عموماً به جنگ منجر شده‌اند نشان دادند که مفهوم ژئوپلیتیک هنوز از کارایی بالایی برخوردار است و برخلاف نظریاتی که برخی از محققین با یک‌جانبه‌گرایی اعلام کرده‌اند که ژئوپلیتیک به پایان خود رسیده برعکس ژئوپلیتیک در قالب پست مدرن خود نه تنها ضعیف نشده بلکه جایگاه رفیع‌تری را هم احراز نموده است. می‌توان نتیجه گرفت حوزه عمل ژئوپلیتیک در قرن بیست‌ویکم با محدوده جغرافیایی آن در قرن بیستم تفاوت‌های فاحشی خواهد یافت و محدوده‌های انسانی و عملکردهای انسانی نقش بیشتری خواهند داشت (Kawac, 2010).

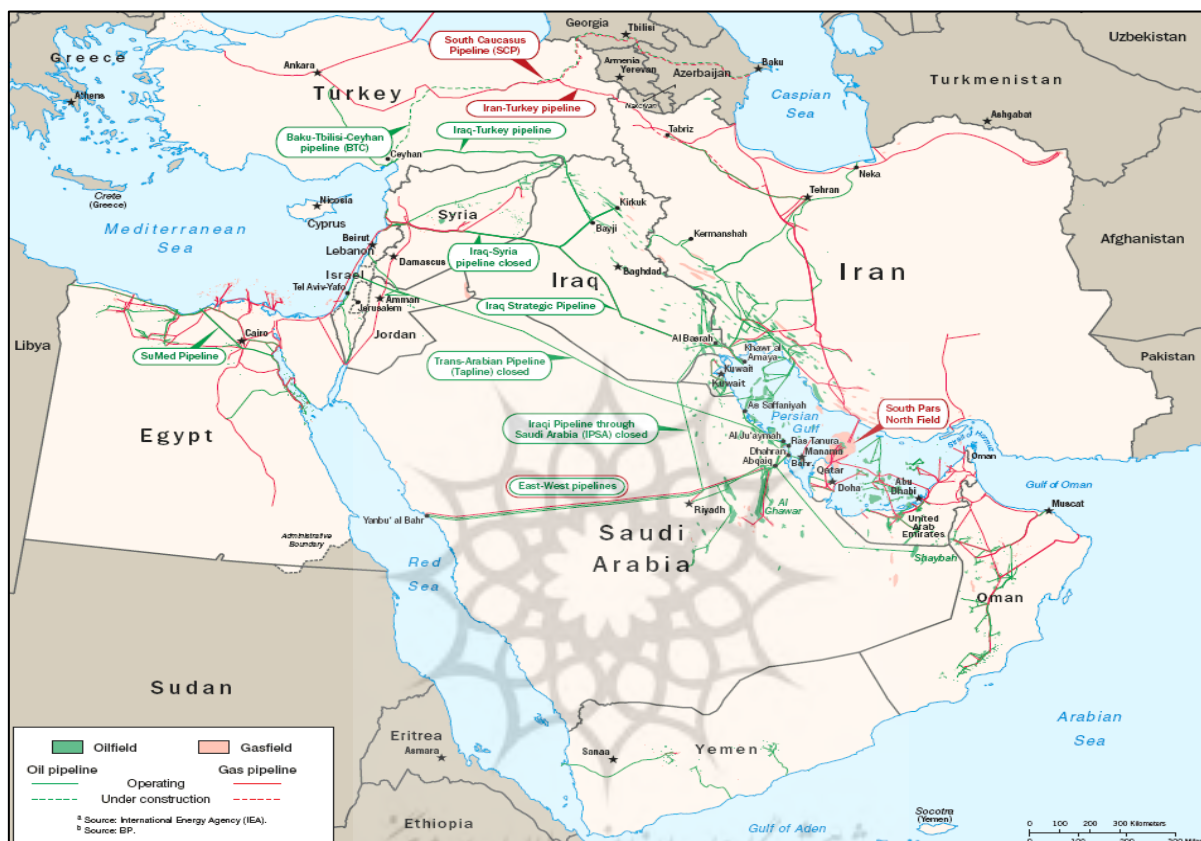


نقشه ۵- نقشه ناهمواری های منطقه خلیج فارس

منبع: (jonespools.info)

با پایان جنگ سرد و فروپاشی شوروی، از نظم جدیدی سخن به میان آمد که مشخصه آن درهم‌تنیدگی فرهنگی، سیاسی و اقتصادی کشورها بود. جهانی شدن اقتصاد که سرمایه‌داری را توسعه داد با خود مسائل و نیز فرصت‌های جدیدی به وجود آورد که رویکردی ژئواکونومیک به مناطق یکی از آنها بود (Mane, 2006). ژئواکونومیک عبارت است از مطالعه ی اثر گذاری عوامل یا زیر بناهای اقتصادی در محیط کشوری، منطقه‌ای یا جهانی در تصمیم گیری های سیاسی و رقابت های قدرتی و اثر گذاری این عوامل در ساختار شکل گیرنده ژئوپلیتیک منطقه‌ای و جهانی (مجتهدزاده، ۱۳۸۱، ۱۳۰). پایه و اساس این مطلب (ژئواکونومی)، استدلالی است که از طرف ادوارد لوتوایک ارائه شده است، او خبر از آمدن نظم جدید بین المللی در دهه ی نود می داد که در آن ابزار

آلات اقتصادی جایگزین اهداف نظامی می شوند، به عنوان وسیله ی اصلی که دولت ها برای تثبیت قدرت و شخصیت وجودی شان در صحنه ی بین المللی به آن تأکید می کنند و این ماهیت ژئواکونومی است (عزتی، ۱۳۸۲، ۱۰۷). در واقع مفهومی است که ورود موضوع اقتصاد را به صحنه ی جهانی به ویژه به لحاظ انگیزه ی سوداگرایی تأیید می کند در واقع هر زمان که رقابت میان قدرت ها در نظام جهانی بر موضوع اقتصاد و برداشتن مرزهای اقتصادی باشد صحبت از ژئواکونومی است (ویسی، ۱۳۸۷، ۲۹۸)



نقشه ۶- پتانسیل های انرژی خلیج فارس

منبع: <https://www.vox.com>

فرق ژئوپولیتیک با ژئواکونومی در این است که ژئوپولیتیک بر داده های مربوط به اقتدار دیپلماتیک و نظامی یک کشور تأکید می کند، سرزمین و جمعیت و مرزها را در مرکز توجه خود قرار می دهد و در پی شناخت رابطه میان قدرت های سیاسی در نظام های جهانی، است. ژئوپولیتیک بر قدرت سخت تمرکز دارد و کشور، سرزمین، ساختارهای نظامی، و توانایی تهدید و حمله و دفاع محور های عمده بررسی است؛ اما ژئواکونومی در عوض بر قدرت نرم برآمده از اهرم های اقتصادی و بازرگانی تکیه دارد. بازار، دادوستد، تولید ناخالص داخلی، تکنولوژی، پول، مذاکره و زنجیر تولید از جمله مفاهیمی هستند که به کمک آنها می توان ظرفیت های ژئواکونومیک یک کشور را اندازه گیری کرد. وزنه قدرت یک ملت در نظام جهانی و توانایی تحمیل اراده یک ملت بر دیگر ملت ها در گرو قدرت ژئوپولیتیک یا ژئواکونومیک آن کشور است (Mercille, 2008).

بعد از جنگ جهانی دوم در پی گسترش فرآیند جهانی شدن، کفه به نفع ژئواکونومیک سنگین تر شده است، رشد گسترش سازمان های بین المللی اقتصادی نظیر بانک جهانی، سازمان تجارت و... سازمان های منطقه ای

نظیر اتحادیه اروپا، نفتا و... پیش از پیش این پیش بینی بارون وکانت دو منتسکیو مبنی بر اینکه ملت‌ها به برکت داد و ستد، ناسیونالیسم و صحنه‌های خونین نبرد را رها کرده و به رقابت اقتصادی رو می‌آورند و نفوذ و اعتبار و قدرت کشورها مدیون دستاوردهای اقتصادی می‌باشد نه نظامی‌گری، از نمونه‌های بازر این پیش بینی ژاپن و آلمان هستند که مهم‌ترین نماد‌های مقهور شدن ژئوپولیتیک در برابر ژئوآکونومیک به شمار می‌روند. در حالی که کشوری مثل چین دوران مائوتسه یا کره شمالی در عصر حاضر که دارای سلاح هسته‌ای و توان نظامی بالای را در اختیار دارد، با این حال کشوری ضعیف در اقتصاد، تکنولوژی در برابر همسایه هم نام جنوبی خود را می‌باشد. هرچند ژئوآکونومیک چالش‌های بزرگی در ادامه راه خود دارد و غیر قابل بازگشت بودن آن را به نوعی به پرسش می‌گیرد، با این حال میتوان نام برد اگر ایران علاوه حفظ توان ژئوپولیتیکی خود، توان ژئوآکونومیکی خود را بالا میبرد، و به یک وزنه موثر در اقتصاد و تکنولوژی تبدیل می‌شود، تحریم‌های ایران نه تنها سهل و ممکن نبود بلکه انقدر هزینه‌ی گزافی داشت که واشنگتن را به چالش در برابر خود می‌کشاند. نمونه بارز این مثال کشوری مانند چین فعلی است که با وجود اینکه آمریکا علاقه‌ای به فروش غولی چون چین در روی خود ندارد، با این وجود به دلیل تاثیر بالای چین در اقتصاد جهان و بالاخص ایالات متحده مجبور به رفتاری با عزت و متناسب در برابر دولت خلق چین می‌باشد (Saouli, 2016).

قاچاق کالا و گردشگری در مرز خلیج فارس

موقعیت ویژه‌ی جغرافیای خلیج فارس موجب شده تا این منطقه به یکی از مراکز اصلی تبادلات اقتصادی و مراودات اجتماعی بین نواحی شرق آفریقا؛ حوزه اقیانوس هند و جنوب شرق آسیا تبدیل شود و همواره در مسئله‌ی رقابت بین قدرت‌های بزرگ منطقه‌ای و جهان دارای جایگاه ویژه‌ای باشد. حضور قدرت‌های استعماری بیگانه در خلیج فارس یکی از نمودهای بارز اهمیت آن در مناسبات بین‌المللی است؛ با اکتشاف نفت در نواحی پست کرانه‌ها و فلات قاره خلیج فارس این منطقه مرکز عمده تولید و صادرات نفت خاورمیانه گردید و بر اهمیت اقتصادی و سیاسی آن افزوده شد. تجارت ساکنان مناطق جنوبی خلیج فارس با ایران به قدمت تاریخ سکونت در این مناطق است. حجم کل قاچاق کالا از مناطق جنوبی خلیج فارس به ایران شش میلیارد دلار در سال تخمین زده می‌شود و قطعات کامپیوتر و سیگار از جمله کالاهای مهم قاچاق در این بین است. هر سال شش میلیارد دلار کالا به طور غیرقانونی از حاشیه جنوبی خلیج فارس به ایران انتقال می‌یابد. تشدید تنش‌ها میان ایران و آمریکا نیز به مخاطرات قاچاق کالا به ایران افزوده است. قایق‌های قاچاق در حالی مسیر تنگه هرمز را شبانه طی می‌کنند که شناورهای آمریکایی در این تنگه مهم بین‌المللی حضوری مستمر دارند. قاچاقچیان با هدف دوری از کنترل‌های وارداتی در ایران، تعرفه‌های سنگین و مقررات دستگاه اداری اقدام به این کار می‌کنند. اگر چه مواد مخدر و سوخت نیز از این طریق قاچاق می‌شود، اما عمده کالاهای قاچاقی کالاهای مصرفی هستند که با افزایش فشارهای آمریکا برای محدود کردن تجارت با ایران رونق بیشتری یافته است. بخش عمده کالای قاچاق از کشورهای حوزه خلیج فارس به مقصد ایران با هدف اختلال در اقتصاد کشور و تولید ملی بازرگانی می‌شود. در سال ۱۳۹۵ حدود ۳۷۰ میلیارد تومان کالای قاچاق در آبهای شمال غرب خلیج فارس و آبراه اروند رود کشف و ضبط شده است. گفته می‌شود به ازای ورود

یک میلیارد کالای قاچاق به کشور، یکصد هزار فرصت شغلی از بین می رود. به ازای ورود یک میلیارد کالای قاچاق به کشور، یکصد هزار فرصت شغلی از بین می رود (حافظ نیا، ۱۳۷۱).

استان هرمزگان به خاطر موقعیت جغرافیایی اش اصلی ترین کانال ورود کالای قاچاق به کشور است. این منطقه به خاطر داشتن ۹۰۰ کیلومتر مرز آبی در خلیج فارس و دریای عمان، محل مناسبی برای رفت و آمد شناورهای کوچک و بزرگ است. این موقعیت جغرافیایی باعث شده یک چهارم محصولات قاچاق از این محدوده وارد کشور شود. بعد از وارد شدن کالا چتر بازان و کولبران با حداقل دستمزد ریسک بالای گذشتن از مناطق صعب العبور را به جان می خرند و کالاهای خرد شده را به مقصد می رسانند. درگهان تا پیش از سال ۸۵ یک روستا بود اما حجم مبادلات کالا در این منطقه، آن را به یکی از مراکز عمده اقتصادی در استان هرمزگان تبدیل کرده است. سیگار و پوشاک عمده کالایی است که به دلیل حجم کم و تقاضای بالا از جمله اجناس مورد علاقه قاچاقچیان است. این کالاها به دلیل داشتن وزن و حجم کم، مقادیر زیادی از آن ها با یک قایق تندرو به راحتی به سواحل حمل می شود، یا به عنوان ملزومات سفر در چمدان مسافرتی جاسازی می شود. چتر بازان کالای قاچاق را به شیوه های مختلف از جمله جاسازی کالا، تبدیل کالاهای کلان به شکل خرد از طریق راه زمینی یا دریایی به استان های مرزی منتقل می کنند و اغلب با اتوبوس به شهرهای مرکزی می فرستند. استان هرمزگان در ۵ میلیارد دلار از کل قاچاق کشور سهم است که این اعداد و ارقام قابل تامل الزام گرفتن یک تصمیم جدی را می طلبد که به نظر می رسد تنها راه ممکن برای حل این معضل ایجاد اشتغال در منطقه، توسعه اقتصادی و استفاده از پتانسیل بالای گردشگری منطقه است. ایران در حوزه گردشگری تا پایان سال ۲۰۱۶، ۲۱ پله صعود داشته است. سهم گردشگری تا پایان سال ۲۰۱۵ از تولید ناخالص ملی ۲/۵ درصد بوده است. در حوزه حمل و نقل که یکی از زیرساخت های مهم حوزه گردشگری است، ۴۱ پله صعود داشته ایم. در حوزه امنیت، ایران از رتبه ۱۲۱ به رتبه ۸۴ دست یافته است. منطقه خلیج فارس در حدود ۱۳۰ جزیره بزرگ و کوچک دارد که جزایر شمالی آن که همگی در مالکیت و حاکمیت ایران هستند کم و بیش مسکونی و آباد است در حالی که جزایر جنوب و شمال غرب که متعلق به کشورهای عربی اند غالباً مرجانی و سنگی و غیر مسکونی می باشند (صباغ کرمانی و امیریان، ۱۳۷۹).

در ایران به این موضوع و اهمیت آن و البته موقعیت استثنایی خلیج فارس برای رشد صنعت گردشگری ایران توجهی نشده و دست اندرکاران گردشگری صرفاً به تبلیغ برای مکان های تاریخی بسنده کرده اند در حالی که اکثر این اماکن تاریخی به دلیل عدم مدیریت و رسیدگی در حال نابودی هستند یا اینکه همگان آنها را می شناسند و به دنبال یافتن امکانات گردشگری جدیدی در ایران هستند. حال با توجه به این موضوع و شرایط بسیار مطلوب منطقه حاشیه خلیج فارس و البته دریای خزر برای ایران به نظر می رسد مسئولیت بازاریابی و مطرح کردن توانمندی های ساحلی ایران از این نظر به جوامع بین المللی ورزشی به عهده مسئولین گردشگری ایران قرار گرفته که امید است مسئولین این امر از فرصت خدادادی به وجود آمده بهترین استفاده را داشته باشند و صنعت گردشگری ایران را در کنار رشد گردشگری ورزشی رونق مناسبی ببخشند. حاشیه خلیج فارس ثروتی بی پایان است که به سرزمینی بسیار جذاب برای گردشگران اروپایی و دیگر نقاط جهان تبدیل شده است اما بیشتر این گردشگران مقصد خود را چند کیلومتر دورتر از سواحل ایران انتخاب می کنند یا اینکه همیشه تیم های ورزشی ایران باید برای انجام بازی های بین

المللی ساحلی به قسمت جنوبی این خلیج برود، حال آنکه امکانات گردشگری ایران از نظر تاریخی و اقلیم منطقه از دیگر همسایگانش بهتر و بیشتر بوده ولی بازم مسیر حرکت تورها به دیگر نقاط این خلیج ختم می‌شود اینجاست که اهمیت زیرساخت‌ها و تبلیغات خودنمایی می‌کند (زین العابدین و همکاران، ۱۳۹۱).

بطور مثال کشور قطر برای جذب گردشگران اقدام به تاسیس اسکله‌های تفریحی کرده است و تمامی خطوط کشتیرانی تفریحی را تشویق به پهلوگرفتن کشتیهای تفریحی آنها در این بنادر کرده و در همین راستا شرایط صدور ویزا برای گردشگرانی که با این کشتی‌ها وارد خاک قطر می‌شوند را نیز ساده‌تر کرده و کمتر از یک ساعت این کار را برای آنها انجام می‌دهد این امکانات در کنار مشوق‌هایی که این کشور به آژانس‌های گردشگری برای برگزاری تورهای ویژه در خاک عمان می‌شود توانسته آینده صنعت بسیار پردرآمد گردشگری را در این کشور نیز تضمین کند.

بخش عمده کالاهای قاچاق از طریق مرزهای دریایی وارد کشور می‌شوند زیرا قاچاقچیان به علت کنترل از راه‌های اصلی استفاده نمی‌کنند به همین دلیل اکثر کالاهای قاچاق از مرزهای دریایی و یا کوهستان‌های صعب‌العبور وارد یا خارج می‌شوند. مبادی ورودی و خروجی کالاهای قاچاق بیشتر مرزهای استان‌های هرمزگان، سیستان و بلوچستان و بوشهر و مناطق آزاد تجاری صنعتی است که ورود کالا به آن‌ها آزاد است و خروج آن نیز به دلیل وسعت مرزهای دریایی آسان‌تر صورت می‌گیرد. لوازم برقی، صوتی و تصویری معمولاً از مناطق آزاد قاچاق می‌شوند. این کالاها با قایق‌های تندرو حمل و در سواحل جنوب تخلیه‌شده و به‌صورت بار همراه مسافر از این مناطق خارج می‌شوند. وسعت منطقه تردد شناورهای حامل کالای قاچاق در خلیج فارس بیش از ۲۳۹۰۰۰ کیلومترمربع است و از خلیج گواتر در منتهی‌الیه ساحل شرقی کشور تا رأس بیشه در منتهی‌الیه ساحل غربی ۲۰۰۰ کیلومتر مرز آبی را شامل می‌شود. این گستردگی مرزها و وسعت منطقه تردد، مسیرهای بسیاری را پیش روی شناورهای حامل کالای قاچاق قرار می‌دهد و به همین میزان نیز بر پیچیدگی مقابله با آن می‌افزاید (لوتواک، بی‌تا).

در بخش جنوبی کشور، هم‌جواری با خلیج فارس و دریای عمان ظرفیتی کم‌نظیر و بسیار مناسب برای توسعه همه‌جانبه محسوب می‌شود، پتانسیلی که از چابهار و سیستان و بلوچستان گرفته تا بوشهر، هرمزگان و خوزستان می‌تواند بسترساز شکوفایی اقتصادی باشد. گردشگری دریایی یکی از مهم‌ترین انواع گردشگری در کشور است و ۷ استان دارای مزیت قرارگیری کنار دریا هستند که تعدادی از این استان‌ها در نیمه جنوبی کشور قرار دارند.

به عنوان مثال استان بوشهر با داشتن بیش از ۹۰۰ کیلومتر ساحل زیبا و بکر یکی از مهم‌ترین نقاط برای گردشگری دریایی محسوب می‌شود و هم‌اکنون نیز با وجودی که زیرساخت‌های مناسب برای گردشگران فراهم نشده است ولی هر ساله شاهد حضور گسترده مردم در سواحل استان هستیم. ایجاد اقامتگاه یکی از مهم‌ترین نیازهای توسعه گردشگری است که استان بوشهر با کمبودهایی در این زمینه روبرو است و هتل مناسبی برای گردشگران وجود ندارد. زیرساخت‌های گردشگری دریایی از جمله هتل‌های دریایی، اسکله‌های تفریحی، شناورهای گردشگری مناسب، رستوران‌های دریایی، تورهای دریایی و ... در این استان ایجاد و راه‌اندازی نشده است. بسیاری از برنامه‌های گردشگری دریایی به صورت فصلی و اغلب منحصر به فصل بهار است و در دیگر ایام سال خبر چندانی از فعالیت برنامه‌های گردشگری دریایی نیست. هرچند که استان بوشهر در چهار ماه از سال آب و هوایی بسیار گرم دارد ولی

در هشت ماه باقی مانده سال آب و هوای این استان برای حضور گردشگران مناسب است. یکی از مشکلاتی که در این بین وجود دارد، هم‌زمانی تعطیلات تابستانی با فصل بسیار گرم استان بوشهر است که باعث شده مانعی بزرگ برای انجام سفرهای تابستانی به بوشهر باشد. البته باید توجه داشت که ایجاد زیرساخت‌های مناسب در کنار سواحل استان بوشهر و ایجاد بازی‌های دریایی و ورزش‌های آبی رزمینه جذب گردشگران در گرم‌ترین روزهای سال را نیز فراهم خواهد کرد (عزتی، ۱۳۸۴).

نتیجه‌گیری و دستاورد علمی پژوهشی

هدف جغرافیای اقتصادی بررسی و شرح نابرابری‌های توسعه بر اساس شرایط جغرافیایی است. با رشد تمدن، فعالیت‌های بشر و سطح زندگی او به صورتی نابرابر بین قاره‌ها و سرزمین‌ها شکل گرفت. برخی این نابرابری را ناشی از تفاوت‌ها در توان تولید کشاورزی و دامداری می‌دانند. مطابق این نظریه تفاوت‌های منطقه‌ای ناشی از تولید گیاهان خوراکی است که منجر به رشد توان تغذیه منطقه و دام شده که در نهایت با مدیریت انسان و با انتقال مازاد تولید این توان به سایر مناطق و مراکز مستقل تولید غذا منتقل می‌شود. با تولید غذای مازاد، چنین جوامعی امکان حفظ و پشتیبانی افراد توانا که به توسعه دانش و خلق فنون جدید می‌پردازند را پیدا می‌کند. در این رابطه ابداع خط، نقشی بسیار مهم بازی کرده است و شاهد آن هستیم که این اختراع بشری در نقاطی که اولین توسعه‌های کشاورزی رخ داد، شکوفا شد؛ بنابراین، با اطمینان می‌توان نتیجه گرفت که از آن زمان توزیع فضایی اقتصاد و توسعه اجتماعی به صورتی نامتوازن ادامه یافت. بررسی نظریه‌ها و تطبیق آنها با اطلاعات زمینه اصلی مطالعات جغرافیای اقتصادی است. در این علم تلاش بر آن است تا دریابیم چرا حتی در جوامعی که چرخش انسان، کالا، خدمات و عقاید ساده و ساده‌تر می‌شود، باز هم شاهد تمرکز فعالیت‌های اقتصادی در مناطقی بسیار محدود و محدود هستیم. هرچند، مانند همیشه در علم اقتصاد همه چیز به همه چیز مرتبط است، نتایج به دست آمده از طریق مطالعات جغرافیای اقتصادی عنصری جدید را در رابطه با اقتصاد جغرافیایی طرح می‌کند: آنچه نزدیک‌تر است تاثیر بیشتری خواهد داشت.

این واقعیت که توزیع فضایی توسعه نامتوازن بوده تاریخ بشر را به عنوان نبردی علیه حاکمیت فاصله‌ها مطرح می‌سازد. از آنجا که جابه‌جایی کالا و انسان حول محور جابه‌جایی آنها در فضا شکل می‌گیرد، ابتدا باید واحد مرجع فضا را تعریف نمود. این مسئله اغلب به خوبی تحت بررسی اقتصادی قرار نگرفته است چون نیروهای مورد نیاز برای جابه‌جایی در یک چارچوب مشابه با چارچوب دیگر نیست. یک نظریه می‌تواند این باشد که حجم جابه‌جایی در سطح مثلاً یک شهر با حجم جابه‌جایی در سطح یک کشور متفاوت است. هرچند این مطلب که برخی عوامل موثر بر سازمان‌دهی فضایی فعالیت‌های اقتصادی در کلیه سطوح حاکم هستند، صحت دارد؛ این بدان معنی نیست که این عوامل در همه جا تاثیری مشابه خواهند داشت. فضاهای اقتصادی مشابه هم محسوب نمی‌شوند بلکه هر یک ویژگی‌های خاص خود را دارند.

صنعتی شدن که بیشتر به عنوان پدیده‌ای منطقه‌ای و نه ملی است، منجر به عدم توازن در توسعه اقتصاد ملی کشورها می‌شود. هرچند جهانی شدن اغلب به عنوان فرآیندی تاثیرگذار بر کشورها دیده می‌شود، در واقع تاثیری جدی در سطح منطقه‌ای دارد. علاوه بر این، برخی شواهد نشان می‌دهد، در چارچوب کشورها، فعالیت‌های

اقتصادی در چند منطقه شهری بزرگ محدود می‌شود. علاوه بر این، نقش دولت‌های محلی نیز رو به فزونی است و کشورهای متعدد در حال تمرکززدایی هستند. این مسائل منجر شده تا منطقه به عنوان واحد فضایی مطرح و تعریف شود. منظور از منطقه، فضایی باز برای مبادله است که در آن داد و ستد داخلی ممکن گردیده و تاثیر بیشتری دارد. البته این تعریف در مقایسه با تقسیمات کشوری که دارای مرزهای روشن ترسیم شده بر نقشه‌ها هستند تا حدی مبهم به نظر می‌رسد، چون مناطق اقتصادی هم مفهومی نسبی است و هم در حال تغییر مستمر است.

این مرزها نسبی است چون مناطق متعلق به یک فضای اقتصادی ناشی از جداسازی‌های در یک فضای بزرگتر هستند. این امر ایجاب می‌کند که رابطه‌ای بین مکان و گروه‌های حاضر در آن یعنی منطقه ایجاد شود. در نتیجه، مکان‌هایی که یک منطقه را تشکیل می‌دهند کاملاً به رابطه‌ای که برای آنها تعیین شده است وابسته‌اند. از آنجا که می‌توان روابط مختلفی را برای مقایسه مناطق در نظر گرفت، با تغییر این روابط مناطق نیز تغییر پیدا می‌کنند. یک منطقه اقتصادی امری متغیر است چون مرزهای آن به مرور زمان به دلیل سطح متغیر هزینه‌های جابه‌جایی انسان‌ها و کالا تفاوت می‌یابد. برای همین، مرزهای مناطق مبهم خواهند بود. با این همه علیرغم ذات کم‌دقت این مرزها، انتخاب منطقه به عنوان واحد منتخب و مبنا تأثیری کاملاً واضح و دقیق دارد: معیار فضایی و تجزیه و تحلیل اقتصادی ما باید امکان شکل‌گیری چند منطقه را ممکن سازد.

بر اساس چنین انتخابی، هدف اصلی درک نحوه تعریف جهان از طریق افزایش باز بودن اقتصادها، مناطق و سکنه آنها و تاثیرش بر جابه‌جایی کالا و عوامل اقتصادی (بنگاه‌ها، مصرف‌کنندگان، نیروی کار) است. به کلام دیگر، در جایی که نظریه‌های تجارت بین‌الملل تأکید بر مبادله کالا دارند و عوامل تولید را غیرقابل جابه‌جایی می‌بینند، اقتصاد جغرافیایی عوامل مزبور (سرمایه و نیروی کار) را قابل جابه‌جایی می‌داند. اگر بخواهیم به نوع دیگری این موضوع را تشریح کنیم، باید بگوئیم که محل استقرار عوامل اقتصادی درون‌زا هستند ولی نظریه‌های مرسوم اقتصادی آنها را برون‌زا می‌بیند. روشن است این تغییر که تحولی اندک هم محسوب نمی‌شود، اغلب اوقات منجر به تغییر بسیاری از نتایج معمول می‌شود. علاوه بر این، به جای فرض این که مزیت‌های نسبی اولیه‌ای وجود دارند، می‌بینیم که مزیت نسبی بر اساس تصمیم‌های بنگاه‌ها و مصرف‌کنندگان در مورد محل شکل می‌گیرد. این دو ویژگی دو مشخصه خاص اقتصاد جغرافیایی هستند.

فرض دیگر این است که تفاوت‌های طبیعی بین مناطق، مانند وجود مواد خام اولیه، ویژگی‌های اقلیمی، تفاوت‌های طبیعت جغرافیایی و امکان‌ترابری طبیعی را نادیده می‌گیریم. معمولاً به این موارد طبیعت اولیه نام می‌دهند که در برابر طبیعت ثانویه که نتیجه اعمال و رفتار انسان برای بهبود طبیعت اولیه است، قرار دارد. بدون ایجاد هرگونه گرایش ذهنی به جبر فیزیکی، می‌توان گفت که جغرافیا حقایق تلخی را برای ما رقم می‌زند که مانند اغلب موارد دیگر زندگی بشر ناعادلانه و نامساوی است. چنین بی‌عدالتی‌هایی را نمی‌توان به سادگی جبران کرد. بدین ترتیب، نقطه اتکای ما انتخاب روشمند است. برای مثال، می‌توان ساز و کارهای اقتصاد کلان که تشریح‌کننده تفاوت‌های منطقه‌ای کشورهای در حال توسعه است و به نوعی طبیعت دوم محسوب می‌شود را مد نظر قرار داد. در جهانی که هزینه‌های حمل و نقل رو به کاهش است، به نظر می‌رسد دلایل توسعه نامتوازن، حداقل در مناطق کم و بیش همگونی مانند اتحاد اروپایی را باید در روابط مختلف مانند مبادله کالا، جابه‌جایی عوامل تولید و عملکرد بازارها

یافت. در مقابل، جغرافیای فیزیکی که همان طبیعت اولیه است، اگر بخواهیم عدم پیشرفت یکسان بشر را شرح دهیم، مورد استفاده قرار می‌گیرد.

باید تأکید داشت که هم اقتصاددانان و هم جغرافیادانان فضای اقتصادی را نتیجه نظام نیروهای متعامل می‌دانند که برخی از آنها در راستای تجمیع فعالیت های انسان و برخی دیگر به دنبال متفرق ساختن آن عمل می‌کنند و برای همین نیز چشم انداز اقتصادی به واسطه تفاوت هایی در سطوح مختلف شکل می‌گیرد. هدف اقتصاد جغرافیائی تعیین طبیعت این نیروها و نحوه گنش بین آنها است. یکی از ویژگی های شکل گیری فضاهاى اقتصادى این است که اغلب اوقات علت به معلول تغییر پیدا می‌کند و یا برعکس و بدین ترتیب، رابطه علت و معلولی به صورتی چرخشی در آمده و فرآیند توسعه امری تجمیعی می‌شود. برای مثال، فعالیت بیشتر یک منطقه منجر به جذب افراد بیشتر به آن منطقه می‌شود، این خود منجر به خلق کارهای بیشتر می‌گردد و این چرخه خود را تشدید می‌نماید. علاوه بر این، چنین مشاهداتی به ما امکان می‌دهد تا دلایل شکست مناطق مختلف و یا طرح های توسعه اقتصادی مختلف را بهتر شناسائی کنیم. سوالی که بدین ترتیب مطرح می‌شود این است که در حالی که علت و معلول چنین درهم تنیده به نظر می‌رسند، چگونه می‌توان با دخالت دولت یا بخش خصوصی کارآمدی را تقویت کرد؟

درحالی که نیروهای حاکم بر تجمیع و یا متفرق ساختن فعالیت های انسان متعدد و متنوع هستند، انتخاب ما در مورد مناطق، به عنوان واحد مبنا، منجر می‌شود که بیشتر بر دو نیروی اصلی متمرکز شویم. در بُعد عرضه، علوم اجتماعی بر این نظر هستند که تجمع انسان ها امکان افزایش بهره وری در تجارت، صنعت و مدیریت را به سطحی که دستیابی به آن از سوی جمعیت غیرمتمرکز ممکن نیست، می‌رساند. دقیق تر این که افزایش جمعیت امکان این که رشد با افزایش جمعیت و سطح فعالیت اقتصادی متناسب باشد را میسر می‌سازد. به کلام دیگر، تولید شامل افزایش سودآوری به تناسب حجم تولید و حداقل به تناسب سطح کلان شکل می‌گیرد.

در بُعد تقاضا، اقتصاد جغرافیائی، بنگاه ها و خانوار و دسترسی آنها به انواع کالاها و کارها را به عنوان دلیل اصلی به وجود آمدن مجموعه های بزرگ اقتصادی تعریف می‌کند. بدین ترتیب، تجمیع یک مجموعه از کالاها، خدمات و کارهای متمایز ممکن می‌شود. از آنجا که تمایز محصولات برای تولیدکنندگان قدرت بازار به همراه می‌آورد، باید فرض کرد که رقابت بین سازندگان به صورت کامل کارآمد نیست.

تلاش این علم بر آن است تا تعامل هزینه های مبادله، افزایش بازده و تنوع را که منجر به ظهور ساختارهای جنبی می‌گردد، بررسی نماید. هسته کار، مناطقی که مجموعه ای از محصولات متنوع و متمایز را تولید می‌کند می‌باشد، در حالی که مناطق حاشیه در تولید کالاهاى مشخص تخصص پیدا می‌کنند؛ بنابراین، گفتن این که جعبه ابزار اقتصاد جغرافیائی می‌تواند قطبی شدن فضای اقتصادی را تشریح کند، عادلانه است. علاوه بر این، ساختار هسته جنبی هنگامی که هزینه های مبادله به صورتی نسبی پائین باشد ظاهر می‌شود، یعنی، وقتی فاصله در ظاهر وزن کمتری در محاسبات عوامل اقتصادی دارد.

با پایان جنگ سرد، در قرن حاضر، شاخص قدرت رهبری برای کشورهای سرمایه دار و قدرتمند جنگی در صحنه بین المللی، دیگر قدرت نظامی نیست؛ زیرا در حال ورود به عصری هستیم که نزاع مستقیم و رودرو که نیازمند پشتیبانی نیروهای نظامی است، فرصت بروز پیدا نخواهد کرد. دیپلماتها امروزه، مدعی دفاع از منافع اقتصادی و

دیپلماسی هستند. وظیفه ای که هر دیپلماتی نمی‌تواند از عهده آن برآید. امروزه قدرت ملی ارتباط مستقیمی با درک مفاهیم اقتصاد ملی دارد. در دنیایی که سرعت به سمت اقتصاد جهانی پیش می‌رود، اهداف و منافع سیاست ملی موضوعی برای اهداف و منافع اقتصادی می‌شود. این تغییر جهت‌ها و ارتباط مفاهیم جدید با یکدیگر نشان دهنده شروع یک عصر ویژه است. ژئواکونومی عبارت است از: تحلیل استراتژیهای اقتصادی بدون در نظر گرفتن سود تجاری که از طرف دولت‌ها اعمال می‌شود، به منظور اقتصاد ملی یا بخش‌های حیاتی آن و بدست آوردن کلیدهای کنترل آن از طریق ساختار سیاسی و خط مشیهای مربوط به آن پرداخت. همچنین دولت از این طریق می‌تواند کنترل و اقتدار تمام منابع تولید و بخشهای کلیدی اقتصادی را بدست بگیرد و به استحکام بخشیدن فعالیت‌های اقتصادی و قدرتهای اقتصادی بپردازد. به عبارتی دیگر، ژئواکونومی رابطه بین قدرت و فضا را بررسی می‌کند. فضای بالقوه و در حال سیال همواره حدود و مرزهایش در حال تغییر و تحول است، از این رو آزاد از مرزهای سرزمین و ویژگیهای فیزیکی ژئوپولیتیک است. در نتیجه تفکر ژئواکونومی شامل ابزار آلات لازم و ضروری است که دولت می‌تواند از طریق آنها به کلیه اهدافش برسد. در نهایت همه استراتژیهای ژئواکونومی شامل بیشترین حوزه قلمرو توسعه کشورهاست و ممکن است این اهداف استراتژیها به وسیله کشورهای صنعتی، خارج از سبک سنتی تعیین و پیگیری شود. در مجموع ژئواکونومی محصول مشترک دولتها و شرکتهای بزرگ تجاری و همسو با استراتژیهای جهانی است و هدف اصلی ژئواکونومی کنترل سرزمینها و دستیابی به قدرت فیزیکی نبوده، بلکه دست یافتن به استیلای تکنولوژی و بازرگانی است؛ که در نهایت شکل نوینی از هژمونی را در قالب توان اقتصادی در عرصه بین‌المللی پدید می‌آورد.

منابع

- افشار سیستانی، ایرج (۱۳۸۶)، نام خلیج فارس (بر پایه اسناد تاریخی و نقشه‌های جغرافیایی)، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۷۱)، خلیج فارس و نقش استراتژیک تنگه هرمز، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها. مجتهد زاده، پیروز (۱۳۵۴)، جغرافیای تاریخی خلیج فارس، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ویلسن، سر آرنولد (۱۳۶۶)، خلیج فارس، ترجمه‌ی محمد سعیدی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- صباغ کرمانی، مجید؛ امیریان، سعید (۱۳۷۹)، بررسی اثرات اقتصادی توریسم در جمهوری اسلامی ایران با استفاده از تحلیل داده - ستانده، پژوهشنامه بازرگانی، ص ۸۳-.
- سریع القلم، محمود (۱۳۷۴)، شناخت خلیج فارس در قالب مبانی نظری، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال دهم، شماره اول و دوم. مجتهدزاده، پیروز (۱۳۷۹)، ایده‌های ژئوپولیتیک و واقعیت‌های ایرانی مطالعه روابط جغرافیا و سیاست در جهان دگرگون شونده، تهران: نشرنی، چاپ اول.
- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۵)، اصول و مفاهیم ژئوپولیتیک، مشهد: انتشارات پاپلی.
- عزتی، عزت‌الله (۱۳۹۵)، جزوه درسی ژئواستراتژی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران.
- عزتی، عزت‌الله (۱۳۸۴)، مجموعه مقالات سمینار بین‌المللی انرژی و امنیت، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه. تهران.
- زین العابدین یوسف، یحیی پور محمد و شیرزاد زهرا (۱۳۹۱)، ساختار ژئواکونومیک خاورمیانه براساس توسعه هزاره سازمان ملل، فصلنامه جغرافیا، دوره جدید، سال دهم، شماره ۳۴

کمپ جفری، هارکاوای رابرت (۱۳۸۳)، جغرافیای استراتژیک خاورمیانه، ترجمه: سیدمهدی حسینی متین، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی

لوتواک، ادوارد (بی تا)، از ژئوپلیتیک تا ژئواکونومی، ترجمه محمدرضا حافظ نیا و هاشم نصیری، تهران: دفتر مطالعات سیاسی بین المللی مجتهدزاده پیروز (۱۳۸۶)، جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی، تهران: انتشارات سمت

Brzeinski Zbigniew and Brent Scowcarft and Richard Morphy, (1909) 'Differentiad ontaimant, Foreign Affairs. (may/june 1909.)

Appa R, Korukonda (1999) Policy Imperatives For the International Economy and Fore Financial Markets in the Emerging World Order . international Journal of value basement . pp 51-67

Bridge, gavin And Wood, Andrew (2005) Prectices of Globalization: learning from the oil Exploration and Production Industry .The royal Geographical Society .Vol 37, No 2 .pp199-208

BP Statistical Review of World Energy (June 2013) bp.com/statistical review

Carmody, Pdraig And Owusu, Francis (2007) Competing hegemons? Chinese versus American geo-economic stertegies in Africa .political geography .vol26 .504-524

Cohen, S.B (2009) Geopolitics of World System, American Sociological Association, vol 65, no1 (www.jstore.org/stable/2573-11)

Harvey, D (2003) The New Imperialism, u.k.: Oxford University press

International energy agency (2013) petrol and natural gas information

Jong, jj (2008) The third EU Energy market pakage, Are we singing the right song? Clingendael international energy programz

Kawac, Nadim (2010) gcc .China to talk investment, Oil Supply, Emirate

Klare, Michael (2008) Rising Powers, shirinking planet, The new Geopolitics of Energy new York

Mane, E Aurelia (2006) European energy security: Towards the creation of the geo –energy space . Energy policy .3773-3786 (www.elsevier.com/locate/enpol)

Mercille, J (2008) The radical Geopolitics of US foreign policy, Geopolitical and Geo-economics logics of power political Geography, no27 (www.jstore.org/stable/19452)

OPEC Monthly Oil Market Report (March 2014)

World Energy Scenarios (2013), Composing energy futures to 2050. Project Partner Paul Scherrer Institute (PSI), Switzerla

World Energy Issues Monitor (2014)

Saouli, Adham, (2016), "Armed Political Movements in the Middle East", "The Future of Regional Security in the Middle East: Expert Perspectives on Coming Developments", Edited by Erika Holmquist and John Rydqvist, Rapportnr/Report no FOI-R-4251—SE.

Gelvin, James L. (2018), "From bad to worse? 5 things 2018 will bring to the Middle East", Associated Press, Access at: <http://www.chicagotribune.com/sns-from-bad-to-worse-5-things-2018-will-bring-to-the-middle-east-89653-20180108-story.html>.

Haenle, Paul; Suolao, Wang; Yahya, Maha; Yixiong, Hu; Blanc, Jarrett . (2018), "Precarious Future: China and the United States in the Middle East", Access at: <https://carnegietsinghua.org/2018/04/10/precarious-future-china-and-united-states-in-middle-east-event-6856>.

Holmquist, Erika and Rydqvist, John, (2016), "The Future of Regional Security in the Middle East: Four Scenarios", Rapportnr/Report no FOI-R-4267—SE.

Hiltermann, Joost, (2018), "Tackling the MENA Region's Intersecting Conflicts", Crisis Group.

Ackerman, H. (2013), "Symptoms of Cold Warfare between Saudi Arabia and Iran: Part 1 of 3", Journalism and Political Science 16. No.17. ledge.

Barnard, A, (2013), "Jihadists and Secular Activists Clash in Syria", January 26, 2013. http://www.nytimes.com/2013/01/27/world/middleeast/syria-war-developments.html?pagewanted=1&_r=2&.

Bradley, John R. (2011). Saudi Arabia's Invisible Hand in the Arab Spring, Foreign Affaires, October 13, 2011.

Ekhtiari, A.R, (2015), "The arabia military and Iran's Foreign Policy towards Saudi Arabia", Journal of Asian and African Studies 46 (678). Retrieved 22 August 2013.

- Gause, F. (2011) Iran in the New Middle East, Council on Foreign Relations, Council Special Report No. 63, December 2011.
- Kamel, Ayham. (2011) Saudi Arabia and Iran set to jockey for position in Syria, Foreign policy, August 11, 2011.
- Maggs, David. (2001). Regional Power Struggles Between Saudi Arabia and Iran in the Arab Spring Era, August 24, 2011. <http://www.e-ir.info/2011/08/24/regional-power-struggles-between-saudi-arabia-and-iran-in-the-arab-spring-era/>.
- Manfreda, Primoz. Saudi Arabia and Syrian Uprising, Why Saudi Arabia supports the Syrian opposition, About.com Guide, <http://middleeast.about.com/od/syria/a/Saudi-Arabia-And-Syrian-Uprising.htm>.
- Sanati, R. (2013), The Saudi Oil War on Iran. The National Interest, Retrieved 12 August 2013. National Relations, Princeton, NJ: Princeton University Press =ac1VCSyQnRm0&refer=home.
- Schanzer, Jonathan, (2012). Saudi Arabia Is Arming the Syrian Opposition, Foreign Policy, February, 27, 2012.
- Terrill, w. (2011) The Saudi-Iranian Rivalry and the Future of Middle East Security, Strategic Studies Institute, December 08, 2011.
- Wallerstein, I. (2012), "The Geopolitics of iran Turmoil", Al Jazeera.Centre for Studies, 27 September 2012.
- Lustick, I. (2013), Saudi Arabia and Iran Oil: A Geopolitical Perspective, BDP Global Leadership Summit, Philadelphia, U.S.A <http://www.bdpinternational.com/wp/wp-content/uploads/Saudi-Arabia-and-American-Oil.pdf>.
- theiranproject.com
<http://likeat.me>
jonespools.info
<https://www.vox.com>

